

مارش جهانی روز کارگر با شعار اعتصاب عمومی و یکروز بدون نود و نه درصدی ها!

تقی روزبه



این فراخوانی نیست برای دعوت دیگران به قرارگرفتن در زیرچتر و پرچم یک جریان معین، بلکه فراخوانی است برای انجام کنشگری مشترک علیه تار و پود همه جاگسترده شده سرمایه داری توسط هر فرد و گروه و جریان و شبکه در هرجائی که ایستاده باشند. مهم اما این است که این تنوع بی پایان حرکت در مقیاس جهانی با به اشتراک گذاشتن پراتیک و اقدام خود و از طریق تلاقی با آنچه که دیگر فعالان و سایر کنشگران به اشتراک گذاشته اند، و در شماری از شعارها و اشتراکات بنیانی و اقدامات عملی، یک حرکت و همبستگی جهانی را به نمایش بگذارد.

امسال روز جهانی کارگر-اول ماه مه-درشرایطی برگزارمی گردد که نظام سرمایه داری هم چنان با یکی از شدیدترین بحران های اجتناب ناپذیر خود دست به گریبان است. بحرانی که علیرغم تلاشهای بی وقفه دولتها و کارچرخان های نظام سرمایه داری برای مهارآن، و باوجود تزریق تریلیون ها دلار از منابع عمومی ودسترنج زحمتکشان به حلقوم این بیمارسیرنشدنی (ازسال ۲۰۰۸ باین سو)، بحران علیرغم برخی افت وخیزها، هم چنان سیر صعودی داشته و درحال ژرف شدن است. مدتهاست که سرمایه داری برای کسب سودوانباشت بیشترسرمایه، باولع سرسام آوری به فازوابعادجدیدی ازجهانی سازی وکالائی کردن همه حوزه های زندگی، ولاجرم استثمارمستقیم ویا غیرمستقیم میلیاردها انسان روی آورده است. افزایش تضاد انسان با انسان(شکافهای اقتصادی واجتماعی) وتضاد انسان با طبیعت (تخریب محیط زیست تامرزه های غیرقابل بازگشت)، توسل به میلیتاریزم وخشونت وجنگ به بخشی ازسازوکارهای جاری جوامع بشری و برای حل وفصل مناقشات واختلافات وتخصیص منابع و بودجه های عظیم برای تولید ودادوستد وسایل انهدام ونابودی، ازپی آمدهای اجتناب ناپذیرسلطه مناسبات سرمایه داری برجوامع جهانی بوده است.

سرمایه داری با جهانی کردن بیش از پیش خود درعین حال بحران های خود را نیز جهانی کرده و اکثریت بسیار عظیمی از جوامع بشری را تحت تأثیری آمدهای ویرانگر عملکرد خود قرار داده است. گوئی ترکیدن حبابهای گوناگون بحران در این یا آن حوزه و این یا آن بخش فقط نشانه هائی هستند از وجود حباب بزرگتری (حباب حباب ها) بنام نظام سرمایه داری. بسیاری از کارگران و مزد و حقوق بگیران و بسیاری از زحمتکشان و بیکاران جهان از استثمار روز و روزگویی و ولع بی پایان سرمایه داران و دولت‌هایشان خشمگین اند و به انواع و اشکال گوناگون و از جمله اعتصابات و تسخیر خیابانها انزجار خود را از سرشکن کردن بارسنگین بحران و برنامه ریاضت اقتصادی به گرده زحمتکشان، که به معنای انتقال دسترنج آنها به بانک‌ها و کلان سرمایه داران است به نمایش می گذارند. اعتراضات خیابانی و اعتصابات گسترده کارگران یونان که حلقه ضعیف بحران اروپا را تشکیل می دهد، آئینه تمام نمائی است از نمایش جنایت، فلاکت آفرینی و میزان پای بندی به دموکراسی توسط سرمایه جهانی و کارگزاران آن. وقوع تظاهرات و اعتصابات بزرگ و گسترده در اسپانیا و پرتغال و ایتالیا و فرانسه و رومانی و در آفریقای جنوبی و یا هند و اسرائیل و حتی در آمریکا و کانادا و استرالیا و بسیاری از کشورهای دیگر جهان در طی یکسال گذشته و اوج گیری آنها در ماههای اخیر، نشان دهنده برآمد تازه ای در اعتراضات و پیداشدن حال و هوای جدیدی در آستانه ماه مه است.

آیا برآستی شاهد تعبیر رؤیای اعتصاب عمومی و سراسری در مقیاس جهانی هستیم؟ آیا اعتصابات و اعتراضات جاری و مداوم در اقصا نقاط جهان و جنبش های اجتماعی گوناگون می توانند به یمن روز کارگر به یکدیگر گره خورده و تجلی پیوند و همبستگی پرشکوه محل کار و خیابان و محلات باشند؟ آیا آنگونه که یکی از شعارهای جنبش تصرف وال استریت مطرح ساخته است، جنبش ضد سرمایه داری اول ماه مه را به روز بدون ۹۹٪ تبدیل می کند و به جهانیان نشان می دهد که علیرغم لاف و گزاف سرمایه داران پیرامون نقش بی همتای خود، بند ناف وهستی اشان از کجا تغذیه می کند؟ و اینکه بدون تلاش و کار آنها شریان نظام سرمایه داری منجمد شده و از کار خواهد افتاد. برآستی روز بدون ۹۹٪ ها چگونه روزی است؟ روزی است که نشان داده خواهد شد تداوم زندگی و حیات جهان تا چه اندازه به تلاش و کارآنان وابسته است و بدون آن، کارخانه ها و خدمات اعم از بهداشتی و اداری و آموزشی و حمل و نقل و نظافت و کارخانگی و... از حرکت باز خواهند ایستاد. البته نمونه ها و پوی آمدهای توقف نسبی و موقتی کار در مقیاس کشوری را بارها در این یا آن نقطه جهان دیده ایم، اما بسنده کردن به چنین حربه هائی در عصر جهانی شدن سرمایه

و تصمیم گیری نهادهای فراملیتی سرمایه برای سرنوشت میلیاردها جمعیت کره زمین اگرچه هم چنان لازمند، ولی به تنهایی کافی نبوده و فاقد پتانسیل اختطاری و بسیج کنندگی لازم برای مقابله با تعرض و زورگوئی سرمایه جهانی شده هستند. از همین رواعصاب عمومی و سراسری درمقیاس جهانی، می تواند گامی در راستای طلایعه ظهور طبقه کارگر جهانی و پرکردن این حلقه مفقوده در جنبش طبقاتی باشد. در آن صورت بهتری می توان طلسم رازواری سرمایه را باطل ساخت و نشان داد که منشأ زندگی و حیات اجتماعی از کجا نشأت می گیرد و به مقابله با لاف و گزاف سرمایه و سرمایه داران پرداخت که با هزاران توجیه و ترفند به انکار نقش کارگران به مثابه مولدین واقعی ثروت و قدرت پرداخته و با اشاعه آگاهی کاذب و رخنه در فهم و شعور مردم سعی می کنند که سرمایه و طبقه سرمایه دار را به مثابه سوژه های خلاق و بی همتا وانمود سازند.

بی تردید در صورتی که تنها به شعار یک روز بدون نودونه درصدی ها یعنی به تعطیل کار اکتفا شود (که آنهم خواه ناخواه نسبی بوده و به معنی خواباندن مطلق کار در همه حوزه ها نیست) هنوز نمی توان آن را بطور واقعی روز متعلق به ۹۹٪ ها دانست، اگر که نتواند با شعار تکمیلی و تهاجمی اشغال خیابانها و ممانعت از کار یک درصدی ها همراه شود. چرا که بسنده کردن به آن شعار دفاعی گرچه نقش و اهمیت مولدین واقعی ثروت و قدرت در چرخش نظام کنونی و گردش سرمایه و وابستگی ذاتی سرمایه را (ونه الزاما وابستگی متقابل کارگران به سرمایه را) به نیروی کار و استثمار زحمتکشان نشان می دهد، ولی هنوز تا رسیدن به این نقطه که کارگران و زحمتکشان برای زندگی و ایجاد جهانی دیگر نیازی به سرمایه ندارند و فراتر از آن باید از شر آن رها شوند، و از کارگرسازنده سرمایه تا تبدیل شدن به سوژه های خودرهان و قراردادن تولید در خدمت زندگی و نه زندگی در خدمت آن، فاصله بسیار است. به همین دلیل در همان فراخوان جنبش وال استریت، شعار فوق با شعاریت این روز را - با ممانعت از کارکردن یک درصدی ها - به روز "بدون یک درصدی ها" تبدیل کنیم نیز همراه است. بهر حال ترکیب این شعارها در جهانی که پیوسته در زیر تبلیغات و انتشار بهمن و آگاهی کاذب بمباران می شود، نه فقط واکنشی است علیه وارونه نمائی بورژوازی از نقش واقعیت های اجتماعی، بلکه گامی است مهم در خود باوری و کنشگری در راستای بسیج پایه های اجتماعی برای جنبشی که هدف خود را تصرف زندگی و کار و دموکراسی مصادره شده از چنگ بورژوازی قرارداده است.

از این منظر باید گفت که هدف کارگران فراتر از یک روز

خواباندن (نسبی) چرخ زندگی است. آنها نمی توانند خویشان را در چهارچوب این نوع اقدامات دفاعی محدود کنند. برای آنها تولید باید ضرورتاً در خدمت زندگی و مبارزه برای رهایی از کالاشدن نیروی کار و انهدام نظام مزدی باشد و نه آنکه کار و زندگی آنها گروگان سودآوری سرمایه باشد. فراخوان به اعتصاب عمومی در مقیاس جهانی، که امروزه به مثابه ابزار مهمی برای مقابله با سیاست های فلاکت آفرین بورژوازی به یک نیاز و ضرورت اساسی تبدیل شده است، ولو آن که می دانیم در عمل با محدودیت ها و موانع بیشماری - و سرآمدشان سیاست سرکوب و تفرقه افکنی - مواجه است، تمرین لازم و خوبی است برای مقابله با کمرختی و بیداری روح مبارزاتی برای نبردهای طبقاتی بزرگتر و جهان شمولی که در پیش رو است. و در این راستا روز جهانی کارگر بدلیل پتانسیل نهفته در آن که ناظر بر همبستگی طبقه جهانی نیروی کار است و قدرت بسیج کنندگی اش، بطور طبیعی فرصت مناسبی برای آن است.

علاوه بر این، آنچه که می تواند به ماه مه امسال برجستگی خاصی بدهد، وجود شرایط و زمینه های عینی ناشی از تداوم و عمق بحران سرمایه داری از یکسو و نوع بسیج و سازمان یابی منعطف و در ابعاد جهانی از سوی دیگر است.

هم اکنون به موازات تلاش های گوناگونی که توسط جنبش های اجتماعی گوناگون در اقصی نقاط جهان صورت می گیرد، جنبش تصرف وال استریت به نوبه خود و با توجه به نگاه جهانی اش به سرمایه و بحران حاضر، فراخوان اعتصاب عمومی در مقیاس جهانی و در گستره ۹۹٪ را داده است. آنها از تمام کسانی که از آرمان عدالت اقتصادی و دموکراسی راستین حمایت می کنند درخواست کرده اند که در این روز کار، تحصیل در مدرسه و دانشگاه، کار در خانه، خرید و مراجعه به بانک ها را تعطیل کنند و مهمتر از همه خیابانها را به تصرف خود در آورند و گرمی توانند با اقدامات اخلاص گرانه در مراکز شهر این روز را به روز بدون یک درصدی ها تبدیل کنند! در این فراخوان همه اقشار گوناگون کار با تنوعات بی شمار خود، و همه جنبشهای اجتماعی مورد دعوت قرار گرفته اند.

بر اساس این فراخوان کنشگری و ابتکارات تک تک مدافعان عدالت اقتصادی و دموکراسی راستین می تواند به این هدف بزرگ معنا به بخشد. از همین روبا دعوت از یکایک آنها می خواهد که از همین حالا به این مسأله فکر کنند که چگونه می توانند در این حرکت شرکت کنند.

در این فراخوان هم چنین پیشنهادها و راه های شش گانه ای برای مشارکت فعال همه کنشگران در همه نقاط جهان ارائه شده است که رئوس

آنها عبارتند از:

۱- باجنبش تصرف در مرحله خودتان همکاری کنید (و اگر نبود و یا مایل نبودید خود شبکه ای از آن را ایجاد کنید! جامع عمومی این جنبش ها باز هستند و هر کس می تواند در آن مشارکت فعال داشته باشد).

۲- خبر اعتصابها را در شبکه های اجتماعی پخش کنید (به همراه آدرس ایمیل برخی از آنها برای اتصال شبکه ها).

۳- گروه خویشاوند جنبش درست کنید (شبکه سازی).

۴- به شبکه کنفرانس میان جنبشی اعتصاب عمومی به پیوندید (برای اتصال شبکه ها و شنیدن و طرح پیشنهادات و نظرات)

۵- با کارگران صحبت کنید (با اتحادیه های محلی و سازمان های کارگری برای شرکت در سازماندهی مستقیم این اعتصاب).

۶- محل کار، محیط دانشگاه و یا زیست خود را سازمان دهید.

در مورد همه این عرصه ها می توان ایده های جالبی را در شبکه ها و سایت های درگیر با آزمون ماه مه پیدا کرد.

چنانکه پیداست همه مخالفان نظام سرمایه داری و همه استثمارشدگان در هر کجای از جهان که باشند می توانند به فراخور و توانائی خود در جنبش اعتصاب عمومی (یک روز بدون نود و نه درصدی ها) و تسخیر خیابانها (یک روز بدون یک درصدی ها) حضور شایسته داشته باشند. این فراخوانی نیست برای دعوت دیگران به قرار گرفتن در زیر چتر و پرچم یک جریان معین، بلکه فراخوانی است برای انجام کنشگری مشترک علیه تاروپود همه جاگسترده شده سرمایه داری توسط هر فرد و گروه و جریان و شبکه در هر جایی که ایستاده باشند. مهم اما این است که این تنوع بی پایان حرکت در مقیاس جهانی با به اشتراک گذاشتن پراتیک و اقدام خود و از طریق تلاقی با آنچه که دیگر فعالان و سایر کنشگران با اشتراک گذاشته اند، و در شماری از شعارها و اشتراکات بنیانی و اقدامات عملی، یک حرکت و همبستگی جهانی را به نمایش بگذارد.

برای شرکت در اعتصاب عمومی و برگزاری هر چه باشکوه تر مارش روز جهانی کارگر از هیچ تلاش ممکن دریغ نکنیم! بگذار حتی اگر برای یک روز هم شده، خودخواهی های فرقه ای و یا خودبینی های فردی، جای خود را به

همبستگی بدون چشم داشت بدهد.

۰۱-۱۳۹۱-۰۹ ۲۰۱۲-۰۳-۲۸

[/http://taghi-roozbeh.blogspot.de](http://taghi-roozbeh.blogspot.de)